



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوری مفیدی

تاریخ: ۱۲ آذر ۱۳۹۱

مصادف با: ۱۷ محرم الحرام ۱۴۳۴

جلسه: ۱۰

موضوع کلی: توثیقات خاصه و عامه

موضوع جزئی: راه‌های توثیق عام

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در طرق توثیق عام بود، یکی از این طرق، اصحاب اجماع است که بعضی از افراد به عنوان اصحاب اجماع معروف شده‌اند و درباره آنها گفته شده اجتمع العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم، بحث‌هایی در مورد اصحاب اجماع داشتیم، یکی دیگر از مباحثی که درباره اصحاب اجماع باید پیگیری شود مفاد عبارت: اجتمع العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم می‌باشد، در مورد معنای این عبارت چند احتمال داده شده که ما قبلاً به چهار احتمال اشاره کردیم و احتمال اول و دوم مورد بررسی قرار گرفت، احتمال اول این بود که مراد از تصحیح ما یصح عنهم، تصدیق روایت و حکایت این جماعت است نه نفس حدیث و مروی، این احتمال مختار مرحوم فیض کاشانی می‌باشد که طبق این احتمال مدلول مطابقی این عبارت تصدیق این جماعت است چون تصحیح ما یصح عنهم یعنی تصدیق روایت آنها پس در واقع آنها در روایتشان مورد تصدیق قرار می‌گیرند لکن مدلول التزامی این عبارت وثاقت این جماعت می‌باشد.

گفتیم دلیل بر این احتمال ظهور و تبادر است؛ یعنی متفاهم عرفی و متبادر از عبارت اجتمع العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم، اجتمع العصابة علی تصدیق ما روی عنهم است. مؤیدی هم برای این احتمال ذکر شد و آن تعبیر خود کشی به عنوان اولین کسی که این تعبیر را بکار برده می‌باشد که گفته اجتمع العصابة علی تصدیق ما یصح عنهم.

احتمال دوم این بود که مراد از ما یصح عنهم نفس مروی و حدیثی است که این جماعت نقل کرده‌اند و اجتمع العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم؛ یعنی اجتمع العصابة علی تصحیح احادیثهم ای حکم بصحة روایاتهم؛ یعنی انسان اطمینان دارد این روایات از معصومین صادر شده است، این احتمال را مرحوم میرداماد^۱ اختیار کرده و حاجی نوری در مستدرک^۲ این احتمال را به محقق بهبهانی نسبت داده است. علت اینکه ما یقین و اطمینان به صدور این روایات از معصوم (ع) پیدا می‌کنیم وجود قرائن داخلی و خارجی است، قرائن داخلی مثل وثاقت راوی و قرائن خارجی مثل موافقت با کتاب یا اجماع و امثال آن. طبق این احتمال به دلالت مطابقی خود این افراد توثیق می‌شوند ولی وثاقت مشایخ آنها ثابت نمی‌شود لذا گفته شده این احتمال دارای یک ثمره رجالی مهم نیست؛ چون در وثاقت خود این افراد تردیدی نیست و عمده این است که ببینیم آیا وثاقت مشایخ آنها ثابت می‌شود یا خیر؟

۱. الرواشح السماویة، ص ۴۱.
۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۷۶۲.

احتمال سوم این است که مراد از عبارت اجتمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم، صحت خود خبر و مروی است مثل احتمال دوم ولی به جهت وثاقت این جماعت؛ یعنی اگر اطمینان به صدور این روایات داریم به خاطر قرائن داخلی یا خارجی نیست تا نتیجه گرفته شود وثاقت مشایخ آنها ثابت نمی‌شود، در این احتمال وثاقت خود این جماعت ثابت می‌شود اما در عین حال احتمال عدم وثاقت کسانی که از آنها تا امام معصوم (ع) نقل می‌شود وجود دارد لذا این احتمال در واقع به احتمال اول بازگشت می‌کند.

احتمال چهارم این است که مراد از این عبارت صحت خود خبر و مروی است ولی به واسطه وثاقت این جماعت و مشایخ آنهاست که ما خبر را صحیح می‌دانیم. طبق این احتمال، هم این جماعت و هم مشایخ آنها توثیق می‌شوند. نتیجه مهمی که از این احتمال گرفته می‌شود این است که اگر ما این احتمال را در مورد عبارت «اجتمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم» بپذیریم جمع زیادی از روایات که توثیق خاص نشده‌اند در زمره ثقات قرار می‌گیرند؛ چون مثلاً تنها درباره ابن ابی عمیر گفته شده که متجاوز از ۶۰۰ روایت دارد و این روایات را از مشایخ و اشخاص زیادی نقل کرده که در مورد کثیری از آنها توثیق خاص نداریم. اگر این احتمال چهارم پذیرفته شود نتیجه‌اش این است که همه آن اشخاص توثیق شوند لذا احتمال چهارم در واقع یک احتمال مهمی است که ثمرات مختلفی هم دارد.

فرق احتمالات چهارگانه:

فرق احتمال چهارم با احتمال اول این است که بنا بر احتمال اول آن جماعت در اصل حکایت و روایت، تصدیق می‌شوند و وثاقتشان به دلالت التزامی ثابت می‌شود و می‌گوییم این اشخاص در حکایتشان مورد اطمینان هستند اما وثاقتشان به دلالت التزامی ثابت می‌شود ولی در احتمال چهارم وثاقت این اشخاص به دلالت مطابقی ثابت می‌شود.

فرق احتمال چهارم با احتمال دوم هم این است که بر احتمال دوم ثمره رجالی مهمی مترتب نیست اما بر احتمال چهارم ثمره رجالی مهمی مترتب می‌شود؛ چون هم وثاقت خود این اشخاص و هم وثاقت مشایخشان به این وسیله ثابت می‌شود.

بررسی احتمال اول و چهارم:

پس مجموعاً چهار احتمال در مورد عبارت «اجتمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم» وجود دارد. در بین این احتمالات چهارگانه عمده، احتمال اول و چهارم است، احتمال سوم یک احتمال مستقلی به حساب نمی‌آید؛ چون به احتمال اول باز می‌گردد و احتمال دوم هم اگر چه مختار میرداماد و مرحوم بهبهانی است اما همان گونه که اشاره شد ثمره رجالی مهمی بر آن مترتب نیست، پس عمده، احتمال اول و چهارم است که احتمال اول از جانب مرحوم فیض کاشانی مطرح شده و احتمال چهارم هم مختار حاجی نوری می‌باشد که ما در اینجا به بررسی این دو احتمال می‌پردازیم ببینیم حق کدام است.

طبق احتمال اول که مختار مرحوم فیض است منظور از عبارت «اجتمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم» این است که اصحاب، اجماع دارند بر اینکه این جماعت که ۱۸ نفر می‌باشند و نام آنها ذکر شد، در حکایت و روایت کردنشان مورد تصدیق قرار می‌گیرند و طبق احتمال چهارم که مختار حاجی نوری است منظور از این عبارت این است که اصحاب، اجماع دارند بر اینکه این گروه در مورد احادیث و مرویاتشان مورد وثوق‌اند؛ یعنی آنها نسبت به احادیثی که نقل می‌کنند ثقه‌اند و اصحاب، اجماع دارند هر حدیثی را که این جماعت و مشایخشان نقل می‌کنند مورد وثوق است. طبق این احتمال وثاقت خودشان و مشایخشان ثابت می‌شود. حال باید ببینیم کدام یک از این دو احتمال صحیح است.

بررسی احتمال اول:

مرحوم حاجی نوری چند اشکال به احتمال اول ایراد می‌کند و می‌گوید احتمال اول مورد قبول نیست:

اشکالات صاحب مستدرک:

اشکال اول: اگر مراد این باشد که این اشخاص فقط در حکایت کردن و روایت کردن مورد تصدیق قرار گیرند کشتی به عبارت اجتمعت العصابة علی تصدیقهم اکتفاء می‌کرد و نیازی نبود که بگوید اجتمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم و اینکه کشتی این عبارت را بکار برده نشان می‌دهد که احتمال اول مراد نیست.

پاسخ:

به نظر می‌رسد اگر در عبارات خود مرحوم کشتی دقت شود می‌بینیم این اشکال وارد نیست؛ چون:

اولاً: ایشان هر دو عبارت؛ یعنی هم اجتمعت العصابة علی تصدیقهم و هم اجتمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم را بکار برده است.

ثانیاً: اگر اول این عبارت را بکار می‌برد که اجتمعت العصابة علی تصدیقهم و بعد به دنبال آن می‌فرمود اجتمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم جای این اشکال بود ولی کشتی به عکس عمل کرده و نخست فرموده اجتمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم و بعد فرموده علی تصدیقهم؛ یعنی تصحیح ما یصح عنهم را به تصدیقهم تفسیر کرده پس اشکال اول محدث نوری وارد نیست.

اشکال دوم:

صحت و ضعف یا قوت و حُسن از اوصاف متن حدیث است که به اعتبار اختلاف رجال سند از حیث وضعیت خود روات بر روایات عارض می‌شود؛ یعنی وقتی گفته می‌شود یک روایت ضعیف یا صحیح است به اعتبار خود روایت و حدیث گفته می‌شود و این عناوین وصف برای خود حدیث و مروی قرار داده می‌شود و به واسطه رجالی که در سند روایت وجود دارد این عناوین وصف برای حدیث قرار می‌گیرند، پس در واقع این عناوین وصف برای متن حدیث است و اگر این اوصاف به سند هم اطلاق می‌شود مسامحه است، پس منظور از ما یصح عنهم در واقع متن حدیث است؛ چون خود حدیث است که متصف به صحت و ضعف می‌شود نه اشخاصی که روایت را نقل می‌کنند. پس اشکال دوم این است که نفس قرار گرفتن عناوینی مثل صحت و ضعف به عنوان وصفی از اوصاف متن روایت ما را به این راهنمایی می‌کند که

منظور از ما یصح عنهم خود حدیث است؛ چون خود حدیث متصف به صحت و ضعف می‌شود نه اشخاصی که روایت را نقل می‌کنند.

پاسخ:

این اشکال هم وارد نیست؛ چون حقیقت آن است که این عناوین و اوصاف هم وصف برای سند روایت و هم وصف برای متن روایت قرار می‌گیرند؛ یعنی هم می‌توانیم بگوییم متن روایت ضعیف است لکن به اعتبار روات آن و هم می‌توانیم بگوییم روات حدیث ضعیف‌اند، لذا اطلاق صحت و ضعف و قوت و حُسن هم به سند و هم به متن هیچ اشکالی ندارد.

اشکال سوم:

رکیک است که ما چنین تفسیری از کلمات اعلام و بزرگان داشته باشیم و بگوییم منظور از عبارت تصحیح ما یصح عنهم، علی تصدیقهم می‌باشد.

پاسخ:

این اشکال هم اشکال مهمی نیست و به نظر نمی‌رسد این تعبیر رکیک باشد اما مسئله مهم‌تر این است که خود کَشی تصریح به این معنی کرده و گفته اجتمعت العصابة علی تصدیق هؤلاء الاولین من اصحاب الإمامین، وقتی کَشی تصریح به این معنی کرده مشکلی از این جهت وجود ندارد.

تا اینجا ما یک دلیل و مؤید برای احتمال اول ذکر کردیم که دلیل بر این احتمال ظهور و تبادل بود و مؤید هم عبارت کَشی و بعضی دیگر از بزرگان می‌باشد، مرحوم حاجی نوری اشکالاتی بر این احتمال ایراد کرد که به این اشکالات پاسخ دادیم. حال باید ببینیم کدام یک از این احتمالات مورد قبول است که انشاء الله در جلسه آینده به آن خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»